



# زیارت اربعین امام حسین

این زیارت از روی مفاتیح الجنان ترتیب داده شده است.

**هشتم** زیارت اربعین است یعنی بیستم صفر شیخ در تہذیب و مصباح روایت کرده از حضرت امام حسن عسکری علیہ السلام کہ فرمودہ علامت مؤ من پنج چیز است پنجاہ و یک رکعت نماز گذاشتن کہ مراد ہفدہ رکعت فریضہ و سی و چہار رکعت نافلہ است در ہر شب و روز و زیارت اربعین کردن و انگشتر در دست راست کردن و جبین را در سجدہ بر خاک گذاشتن و بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ را بلند گفتن و کیفیت زیارت حضرت امام حسین علیہ السلام در این روز بہ دو نحو رسیدہ یکی زیارتیست کہ شیخ در تہذیب و مصباح روایت کردہ از صفوان جمال کہ گفت فرمود بہ من مولایم حضرت صادق علیہ السلام در زیارت اربعین کہ زیارت می کنی در ہنگامی کہ روز بلند شدہ باشد و می گوئی:

السَّلَامُ عَلَىٰ وَلِيِّ اللَّهِ وَحَبِيبِهِ السَّلَامُ عَلَىٰ خَلِيلِ اللَّهِ

سلام بر ولی خدا و دوست او سلام بر خلیل خدا

وَنَجِيْبِهِ السَّلَامُ عَلَىٰ صَفِيِّ اللَّهِ وَابْنِ صَفِيِّهِ السَّلَامُ عَلَىٰ الْحُسَيْنِ

و بنده نجیب او سلام بر بنده برگزیدہ خدا و فرزند برگزیدہ اش سلام بر حسین

الْمَظْلُومِ الشَّهِيدِ السَّلَامُ عَلَىٰ اَسِيرِ الْكُرْبَاتِ وَقَتِيلِ الْعَبْرَاتِ

مظلوم و شہید سلام بر آن بزرگواری کہ بہ گرفتاریا اسیر بود و کشتہ اشک روان گردید

اللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَشْهَدُ اَنَّهُ وَاَبْنُ وَاَبْنُ وَاَبْنُ وَاَبْنُ صَفِيِّكَ الْفَائِزُ

خدایا من بر استی گواہی دہم کہ آن حضرت ولی (و نمایندہ) تو و فرزند ولی تو بود و برگزیدہ ات و فرزند برگزیدہ ات بود کہ کامیاب شد

بِكْرَامَتِكَ اَكْرَمْتَهُ بِالشَّهَادَةِ وَحَبَوْتَهُ بِالسَّعَادَةِ وَاجْتَبَيْتَهُ بِطِيبِ

بہ بزرگداشت تو، گرامیش کردی بوسیله شہادت و مخصوصش داشتی بہ سعادت و برگزیدی او را بہ پاکزادی

الْوِلَادَةِ وَجَعَلْتَهُ سَيِّدًا مِنَ السَّادَةِ وَقَائِدًا مِنَ الْقَادَةِ وَذَائِدًا مِنَ

و قرارش دادی یکی از آقایان (بزرگ) و از رهروان پیشرو و یکی از کسانی کہ از حق دفاع کردند

الذَّادَةِ وَاَعْطَيْتَهُ مَوَارِثَ الْاَنْبِيَاءِ وَجَعَلْتَهُ حُجَّةً عَلَىٰ خَلْقِكَ مِنَ

و میراثهای پیامبران را بہ او دادی و از اوصیائی کہ حجت تو بر خلقت هستند قرارش دادی او نیز

الْاَوْصِيَاءِ فَاَعْذَرَ فِي الدُّعَاءِ وَمَنْحِ النَّصْحِ وَبَدَلَ مُهْجَتَهُ فَيْكَ

در دعوت مردم جای عذر و بهانه ای (برای کسی) نگذارد و بیدریغ خیرخواهی کرد و جان خود را در راه تو داد

لَيْسَتْ نَقْدَ عِبَادِكَ مِنَ الْجَهَالَةِ وَحَيْرَةِ الضَّلَالَةِ وَقَدْ تَوَازَرَ عَلَيْهِ مَنْ

تا برهاند بندگانت را از (گرداب) جهالت و نادانی و سرگردانی (در وادی) گمراهی و چنان شد که همدست شدند بر  
علیه

غَرَّتْهُ الدُّنْيَا وَبَاعَ حَظَّهُ بِالْأَرْضِ الْأَدْنَى وَشَرَى آخِرَتَهُ بِالثَّمَنِ

آن حضرت کسانی که دنیا فریبشان داد و فروختند بهره (کامل و سعادت خود را) به بهای پست ناچیزی و بداد  
آخرتش را در مقابل بهائی

الْأَوْكْسِ وَتَغَطَّرَسَ وَتَرَدَّى فِي هَوَاهُ وَأَسْخَطَكَ وَأَسْخَطَ نَبِيَّكَ

اندک و بی مقدار و بزرگی کردند و خود را در چاه هوا و هوس سرنگون کردند، و تو و پیامبرت را بخشم

وَأَطَاعَ مِنْ عِبَادِكَ أَهْلَ الشَّقَاقِ وَالنَّفَاقِ وَحَمَلَةَ الْأَوْزَارِ

آوردند و پیروی کردند از میان بندگانت آنانی را که اهل دو دستگی و نفاق بودند و کسانی را که بارهای سنگین

الْمُسْتَوْجِبِينَ النَّارَ فَجَاهَدَهُمْ فِيكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّى سَفِكَ فِي

گناه بدوش می کشیدند و بدین جهت مستوجب دوزخ گشته بودند آن حضرت (که چنان دید) با شکیبائی و پاداش جوئی  
با

طَاعَتِكَ دَمُهُ وَأَسْتَبِيحَ حَرِيمَهُ اللَّهُمَّ فَالْعَنَهُمْ لَعْنًا وَبِيلاً وَعَذِّبْهُمْ

آنها جهاد کرد تا خونس در راه پیروی تو ریخت و حریم مقدسش شکسته شد خدایا آنان را لعنت کن به لعنتی و بال  
دار و

عَذَاباً أَلِيماً أَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ أَسْلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ سَيِّدِ

عذابشان کن به عذابی دردناک سلام بر تو ای فرزند رسول خدا سلام بر تو ای فرزند آقای

الْأَوْصِيَاءِ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِينُ اللَّهِ وَأَبْنُ أَمِينِهِ عِشْتَ سَعِيداً وَمَضَيْتَ

اوصیاء گواهی دهم که براستی تو امانتدار خدا و فرزند امانت دار اوئی سعادتمند زیستی و ستوده از دنیا

حَمِيداً وَمَتَّ فَقِيداً مَظْلُوماً شَهِيداً وَأَشْهَدُ أَنَّ اللَّهَ مُنْجِزٌ مَا وَعَدَكَ

رفتی و گمگشته و ستمدیده و شهید درگذشتی و نیز گواهی دهم که خدا براستی وفا کند بدان وعده ای که به تو داده

وَمَهْلِكُ مَنْ خَذَلَكَ وَمُعَذِّبٌ مَنْ قَتَلَكَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ

و به هلاکت رساند هر که را که دست از یاریت برداشت و عذاب کند کسی که تو را کشت و گواهم دهم که تو بخوبی وفا کردی

وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِهِ حَتَّى آتَيْكَ الْيَقِينَ فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ قَتَلَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ

به عهد خدا و جهاد کردی در راه او تا مرگت فرا رسید خدا لعنت کند کسی که تو را کشت و خدا لعنت کند

مَنْ ظَلَمَكَ وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً سَمِعَتْ بِذَلِكَ فَرَضِيَتْ بِهِ اللَّهُمَّ إِنِّي

کسی که به تو ستم کرد و خدا لعنت کند مردمی که شنیدند جریان کشتن و ستم تو را و بدان راضی بودند خدایا من تو را

أَشْهَدُكَ أَنِّي وَلِيُّ لِمَنْ وَالَاهُ وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاهُ يَا بَابِي أَنْتَ وَأُمِّي يَا بِن

گواه می گیرم که من دوست دارم هر که او را دوست دارد و دشمنم با هر که او را دشمن دارد پدرم و مادرم بفدایت ای فرزند

رَسُولِ اللَّهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ كُنْتَ نُورًا فِي الْأَصْلَابِ الشَّامِخَةِ وَالْأَرْحَامِ

رسول خدا گواهی دهم که تو براستی نوری بودی در پشت پدرانی بلند مرتبه و رحمهای

الْمُطَهَّرَةِ لَمْ تُنَجِّسْكَ الْجَاهِلِيَّةُ بِأَنْجَاسِهَا وَلَمْ تُلَبِّسْكَ الْمُدَاهِمَاتُ

پاکیزه که آلوده ات نکرد اوضاع زمان جاهلیت به آلودگیهایش و در برت نکرد از لباسهای چرکینش

مِنْ ثِيَابِهَا وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مِنْ دَعَائِمِ الدِّينِ وَأَرْكَانِ الْمُسْلِمِينَ وَمَعْقِلِ

و گواهی دهم که براستی تو از پایه های دین و ستونهای محکم مسلمانان و پناهگاه

الْمُؤْمِنِينَ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْإِمَامُ الْبَرُّ التَّقِيُّ الرَّضِيُّ الزَّكِيُّ الْهَادِي

مردمان با ایمانی و گواهی دهم که تو براستی پیشوای نیکوکار با تقوا و پسندیده و پاکیزه و راهنمای

الْمَهْدِيِّ وَأَشْهَدُ أَنَّ الْإِئِمَّةَ مِنْ وُلْدِكَ كَلِمَةُ التَّقْوَى وَأَعْلَامُ الْهَدْيِ

راه یافته ای و گواهی دهم که همانا امامان از فرزندان تو روح و حقیقت تقوی و نشانه های هدایت

وَالْعُرْوَةُ الْوُثْقَى وَالْحُجَّةُ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَأَشْهَدُ أَنِّي بِكُمْ مُؤْمِنٌ

و رشته های محکم (حق و فضیلت) و حجتی بر مردم دنیا هستند و گواهی دهم که من به شما ایمان دارم

وَبَايَبِكُمْ مَوْقِنَ بَشَائِعِ دِينِي وَخَوَاتِيمِ عَمَلِي وَقَلْبِي لِقَلْبِكُمْ سَلَمٌ

و به بازگشتتان یقین دارم با قوانین دینم و عواقب کردارم و دلم تسلیم دل شما است

وَأَمْرِي لِأَمْرِكُمْ مُتَّبِعٌ وَنُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يَأْذَنَ اللَّهُ لَكُمْ

و کارم پیرو کار شما است و یاریم برایتان آماده است تا آنکه خدا در ظهورتان اجازه دهد

فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَامَعَ عَدْوُكُمْ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَعَلَى أَرْوَاحِكُمْ

پس با شمایم نه با دشمنان شما دروهای خدا بر شما و بر روانهای شما

وَأَجْسَادِكُمْ وَشَاهِدِكُمْ وَغَائِبِكُمْ وَظَاهِرِكُمْ وَبَاطِنِكُمْ آمِينَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

و پیکرهایتان و حاضران و غائبان و آشکارتان و نهانتان آمین ای پروردگار جهانیان

پس دو رکعت نماز می کنی و دعا می کنی به آنچه می خواهی و برمی گردی

و دیگر زیارتی است که از جابر منقول است و کیفیت آن چنان است که از عطا روایت شده که گفت با جابر بن عبدالله انصاری بودم در روز بیستم ماه صفر چون به غاصریه رسیدیم در آب فرات غسل کرد و پیراهن طاهری که با خود داشت پوشید پس گفت که آیا با تو چیزی هست از بوی خوش ای عطا گفتم با من سُعد هست پس قدری از آن گرفت و بر سر و بدن پاشید و پابرنه روانه شد تا ایستاد نزد سر مبارک امام حسین علیه السلام و سه مرتبه الله اکبر گفت پس افتاد و بیهوش شد و چون به هوش آمد شنیدم که می گفت اَللَّامُ عَلَيْكُمْ يَا اَللَّهُ الخ که به عینه همان زیارت نیمه رجب است که ما ذکر نمودیم و با آن فرقی ندارد جز چند کلمه که شاید از اختلاف نسخ باشد چنانچه شیخ مرحوم احتمال داده پس اگر کسی خواست که آن را نیز بخواند رجوع کند به زیارت نیمه رجب و همان را بخواند

مؤلف گوید که زیارت امام حسین علیه السلام در اوقات شریفه و لیالی و ایام متبرکه به غیر از این اوقات که ذکر شد نیز افضل است خصوصاً اوقاتی که به آن حضرت نسبتی داشته باشد مانند روز مباحله و روز نزول هَلْ آتَى و روز ولادت شریف آن حضرت و شبهای جمعه و از روایتی مستفاد می شود که حق تعالی در هر شب جمعه نظر مکرمتی بر آن حضرت فرماید و جمیع پیمغبران و اوصیای ایشان را به زیارت او بفرستد و ابن قولویه از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که هر که زیارت کند قبر امام حسین علیه السلام را در هر جمعه آمرزیده شود البته و از دنیا بیرون نرود با حال حسرت از دنیا و مَسْكَتَشْ در بهشت با امام حسین علیه السلام باشد و در خبر اعمش است که همسایه او برای او گفت در خواب دیدم که رقعها از آسمان فرو می ریزد که در آنها امان نوشته اند برای هر که زیارت امام حسین علیه السلام کند در شب جمعه و بعد از این در اعمال کاظمین در حکایت حاجی علی بغدادی اشاره به این مطلب خواهد شد و غیر این از اوقات شریفه دیگر و روایت شده از حضرت صادق علیه السلام پرسیدند که آیا زیارت امام حسین علیه السلام را وقتی هست که بهتر از وقت دیگر باشد فرمود که زیارت کنید آن حضرت را در هر وقت و هر زمان زیرا که زیارت آن حضرت خیر مَقْرَری است هر که آن را بیشتر به عمل آورد خیر بیشتر خواهد یافت و هر که کمتر کند کمتر خواهد یافت و سعی کنید در زیارت کردن آن حضرت در اوقات شریفه که اعمال صالحه در آنها ثوابش مضاعف است و در آن اوقات شریفه ملائکه از آسمان نازل می شوند از برای زیارت آن حضرت الخ

و از برای خصوص این اوقات مذکوره زیارت منقولی یافت نشده بلی در روز سیم ماه شعبان که روز تولد حضرت امام حسین علیه السلام است دعائی از ناحیه شریفه بیرون آمده که بایست آن را خواند و ما آن را در اعمال ماه شعبان ذکر کردیم و بدان نیز که زیارت آن حضرت در غیر کربلا از شهرهای دور فضیلت زیادی دارد و ما در اینجا به

ذکر دو روایت که در کافی و تهذیب و فقیه است قناعت می کنیم روایت اول ابن ابی عمیر از هشام روایت کرده که حضرت صادق علیه السلام فرمود که هرگاه راه یکی از شما دور و از خانه اش تا به قیور ما مسافت بسیار باشد بالا رود به پشت بام بلندتر منزل خود و دو رکعت نماز کند و اشاره کند به سلام کردن به سوی قبرهای ما پس بدرستی که آن به ما می رسد

روایت دویم از حنّان بن سُدیر از پدرش منقولست که حضرت صادق علیه السلام به من فرمود ای سدیر زیارت می کنی قبر حسین علیه السلام را در هر روز عرض کردم که فدای تو گردم نه فرمود شما چه جفاکاری در هر جمعه زیارت می کنید او را گفتم نه فرمود در هر ماهی زیارت می کنید گفتم نه فرمود در هر سالی او را زیارت می کنید گفتم گاهی از سالها شده که زیارت کرده ام فرمود ای سدیر چه جفا کارید شما به امام حسین علیه السلام آیا ندانستید که حق تعالی را دو هزار هزار فرشته است (و در تهذیب و فقیه هزار هزار فرشته است) ژولیده مو گردآلوده که می گیرند بر آن حضرت و زیارت می کنند وسست نمی شوند و چه می شود برای تو ای سدیر که زیارت کنی قبر حسین علیه السلام را در هر جمعه پنج مرتبه و در هر روزی يك مرتبه گفتم فدایت شوم بین ما و بین او فرسخهای بسیار است فرمود به من که بالا رو به بام خانه ات پس نظر کن به جانب راست و چپ پس بلند کن سر خود را بسوی آسمان پس قصد کن جانب قبر آن حضرت را و بگو:

## السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

نوشته می شود برای تو زیارتی و آن زیارت حجّه و عمره است سدیر گفت بسا شد که بجا آوردم این را در ماه بیشتر از بیست مرتبه و در صدر زیارت اول از زیارات مطلقه گذشت چیزی که مناسب این مقام بود.

## فضیلت و فوائد و آداب تربت مقدسه امام حسین علیه السلام

تذیلاً بدانکه روایات بسیار وارد شده که در تربت آن حضرت شفای هر درد و مرض است مگر مرگ و امان است از بلاها و باعث ایمنی از هر خوف و بیم است و اخبار در این باب متواتر است و معجزاتی که به سبب این تربت مقدسه ظاهر گردیده است زیاده از آنست که ذکر شود و من در کتاب فوائد الرضویّه که در تراجم علماء امامیه است در احوال سیّد محدّث متّحّر آقا سیّد نعمه الله جزائری ره نوشتم که آن سید جلیل در تحصیل علم زحمت بسیار کشیده و سختی و رنج بسیار برده و در اوایل تحصیل چون قادر نبوده بر چراغ به روشنی ماه مطالعه می نموده لاجرم از کثرت مطالعه در ماهتاب و بسیار چیز نوشتن و مطالعه کردن چشمانش ضعف پیدا کرده بود پس بجهت روشنی چشم خود به تربت مقدسه حضرت سیدالشهداء علیه السلام و تراب مرقد شریفه ائمه عراق علیهم السلام اکتحال می کرد و به برکت آن تربت ها چشمش روشن می گشت و نیز نگاشتم که مبادا اهالی عصر ما بواسطه معاشرت با کفار و ملاحده این مطلب را استعجاب نمایند همانا کمال الدین دمیری در حیوة الحیوان نقل کرده که افعی هرگاه هزار سال عمر کرد چشمانش کور می شود حق تعالی او را ملهم فرموده که برای رفع کوری خود چشم خود را به رازیانج تر بمالد لاجرم با چشم کور از بیابان قصد می کند بساتین و جاهائی را که رازیانج در آنجا باشد و اگر چه مسافتی طویل در بین باشد پس خود را می رساند به آن گیاه و چشم خود را بر آن می مالد روشنی چشم او برمی گردد و این مطلب را زمخسری و غیره نیز نقل کرده اند پس هرگاه حق تعالی در يك گیاه تری این خاصیت قرار داده باشد که مار کور پی به آن ببرد و بهره خود را از آن بگیرد چه عجب و استبعادی دارد که در تربت پسر پیغمبر صلوات الله علیه و آله که در راه او خودش و عترتش کشته شده شفاء از جمیع امراض و فوائد و برکاتی قرار داده باشد که شیعیان و محبّان او از آن بهره ها برند و ما در این مقام به ذکر چند خیر قناعت می کنیم.

اول روایت شده که حوریان بهشت چون یکی از ملائکه را می بینند که از برای کاری بر زمین می آید از او التماس می کنند که برای ما تسبیح و تربت قبر امام حسین علیه السلام به هدیه بیاور.

دوم به سند معتبر منقول است که شخصی گفت حضرت امام رضا علیه السلام برای من از خراسان بسته متاعی فرستاد چون گشودم در میان آن خاکی بود از آن مرد که آورده بود پرسیدم که این خاک چیست گفت خاک قبر امام حسین علیه السلام است و هرگز آن حضرت از جامه و غیر جامه چیزی به جایی نمی فرستد مگر آنکه این خاک را درمیانش می گذارد و می فرماید این امان است از بلاها به اذن و مشیّت خدا.

سیم روایت است که عبدالله بن ابی یعفر به خدمت حضرت صادق علیه السلام عرض کرد که يك شخص از خاک قبر امام حسین علیه السلام برمی دارد و منتفع می شود و دیگری برمی دارد و منتفع نمی شود فرمود که نه والله هر که بردارد و اعتقاد داشته باشد که به او نفع می بخشد البته منتفع می شود.

چهارم از ابو حمزه ثمالی روایتست که عرض کردم به حضرت صادق علیه السلام که می بینم اصحاب ما می گیرند خاک قبر امام حسین علیه السلام را و طلب شفا از آن می کنند آیا شفا در آن هست فرمود که طلب شفا می توان کرد از خاکی که بردارند از میان قبر تا چهار میل و همچنین است خاک قبر جد رسول خدا صلی الله علیه و آله و قیر امام حسن و امام زین العابدین و امام محمد باقر علیهم السلام پس بگیر از آن خاک که آن شفای هر درد است و سپری است برای دفع هر چه از آن ترسی و هیچ چیز به آن برابری نمی کند از چیزهایی که از آن شفا طلب می کنند به غیر از دعا و چیزی که آن را فاسد می کند آن است که در ظرفها و جاهای بد می گذارند و آنها که معالجه به آن می کنند کم است یقین ایشان هر که یقین داشته باشد که این از برای او شفا است هرگاه معالجه به آن کند او را کافی خواهد بود و محتاج به دوی دیگر نخواهد شد و فاسد می گردانند آن تربت را شیاطین و کافران از جنیان که خود را بر آن می مالند و بهر چیز که می گذرد آن تربت آن را بو می کنند و اما شیاطین و کافران جنّ پس حسد می برند فرزندان آدم را بر آن و خود را بر آن می مالند که اکثر نیکی و بوی خوشش برطرف می شود و هیچ تربت از حایر بیرون نمی آید مگر مهیا می شوند از شیاطین و کافران جنّ از برای آن تربت آن قدر که عدد ایشان را کسی به غیر از خدا احصا نمی تواند کرد و آن تربت در دست صاحبش است و ایشان خود را بر آن می مالند و ملائکه نمی گذارند ایشان را که داخل حایر شوند و اگر تربت سالم از اینها بماند هر بیمار را که به آن معالجه نمایند البته در آن ساعت شفا می یابد پس چون تربت را برداری پنهان کن و نام خدا بر آن بسیار بخوان و شنیده ام که بعضی از آنها که تربت را برمی دارند آن را سبک می شمارند حتی بعضی از ایشان آن را در توبره چهارپایان می اندازند یا در ظرف طعام یا چیزهایی که دست بر آن بسیار مالیده شود از خورجینها و جوالها پس چگونه شفا یابد از آن کسی که به این نوع آن را حرمت دارد و لکن دلی که در آن یقین نیست و سبک می شمارد چیزی را که صلاحش در آن است عمل خود را فاسد می کند.

پنجم روایت شده که هرگاه یکی از شما خواهد که بردارد تربت را به اطراف انگشتان بردارد و قدر آن مثل نخود است به بوسد آن را و بر هر دو دیده گذارد و بر سایر بدن بمالد و بگوید:

اللَّهُمَّ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ وَبِحَقِّ مَنْ حَلَّ بِهَا وَتَوَى

خدایا به حق این تربت شریف و به حق آن بزرگواری که در آن فرود آمد و مسکن

فیها وَبِحَقِّ جَدِّهِ وَأَبِيهِ وَأُمِّهِ وَأَخِيهِ وَالْأَيْمَةِ مِنْهُ وَوَلَدِهِ وَبِحَقِّ

گرفت و به حق جد و پدر و مادر و امامان از فرزندانش و به حق

الْمَلَائِكَةِ الَّحِ أَفِينِ بِهِ إِلَّا جَعَلْتَهُ أَشْفَاءَ مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَبُرْءًا مِنْ كُلِّ

فرشتگانی که او را دربر گرفته اند که بگردانی آن را شفای از هر درد و درمان از هر

مَرَضٍ وَنَجَاءً مِنْ كُلِّ آفَةٍ وَحِرْزًا مِمَّا أَخَافُ وَأَحْذَرُ

بیماری و رهایی از هر آفت و پناهگاهی از هر چه از آن می ترسم و پرهیز می کنم

پس آن را استعمال نماید و روایت شده که مهر کردن تربت امام حسین علیه السلام آنست که بر آن سوره **إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ** بخوانی و نیز روایت شده که هرگاه تربت را بخوری یا به کسی بخورانی بگو:

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقًا وَّاسِعًا وَعِلْمًا نَافِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ

به نام خدا و به ذات خدا، خدایا بگردانش روزی فراخ و دانشی سودمند و شفای از هر

دَاءٍ اِنَّكَ عَلٰی كُلِّ شَيْءٍ قَدِيْرٌ

دردی که تو بر هر چیز توانائی

مؤلف گوید که فوائد تربت شریفه آن حضرت بسیار است از جمله آنکه مستحب است با میت در قبر گذاشتن و کفن را به آن نوشتن و دیگر سجده کردن بر آنست که روایت شده که سجده بر آن هفت حجاب را می‌درد یعنی باعث قبولی نماز می‌شود که به آسمانها بالا می‌رود و دیگر تسبیح از تربت آن حضرت ساختن و به آن تسبیح ذکر کردن و در دست داشتن است که فضیلت عظیم دارد و از خاصیتش آنست که در دست آدمی تسبیح می‌گوید بی آنکه صاحبش تسبیح بگوید و معلوم است که این تسبیح غیر از آن تسبیحی است که در همه اشیاء است کما قال الله تعالی:

وَ اِنْ مِنْ شَيْءٍ اِلَّا يُسَبِّحُ

و چیزی نیست جز آنکه تسبیح گوید

بِحَمْدِهِ وَلٰكِنْ لَا تَفْقَهُوْنَ تَسْبِيْحَهُمْ

به حمد او ولی شما تسبیحشان را نمی‌فهمید

و عارف رومی در معنی آن گفته:

گر تو را از غیب چشمی باز شد  
نطق خاك و نطق آب و نطق گل  
جمله ذرات در عالم نهان  
ما سَمِيعِمْ و بصیر و باهشیم  
از جمادی سوی جان جان شوید  
فاش تسبیح جمادات آیدت

با تو ذرات جهان همراز شد  
هست محسوس حواس اهل دل  
با تو میگویند روزان و شبان  
با شما نامحرمان ما خامشیم  
غلغل اجزای عالم بشنوید  
و سوسه تا اولیها بزدایدت

بالجمله این تسبیحی که در این روایت است تسبیحی است که از خصوصیات تربت حضرت سید الشهداء ارواحنا له الفداء است.

ششم از حضرت امام رضا علیه السلام منقول است که هر که بگرداند تسبیح تربت امام حسین علیه السلام را و بگوید: ((سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ)) با هر دانه بنویسد حق تعالی از برای او شش هزار حسنه و محو کند از او شش هزار گناه و بلند کند از برای او شش هزار درجه و بنویسد از برای او شش هزار شفاعت و از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که بگرداند سنگهائی را که از تربت امام حسین علیه السلام می‌سازند یعنی تسبیح پخته پس یکبار استغفار کند هفتاد استغفار از برای او نوشته می‌شود و اگر تسبیحی را در دست نگاه دارد و تسبیح نگوید به عدد هر حبه هفت مرتبه از برای او نوشته می‌شود.

هفتم در حدیث معتبر منقول است که چون حضرت صادق علیه السلام به عراق تشریف آوردند گروهی نزد آن حضرت آمدند و عرض کردند که دانسته ایم تربت امام حسین علیه السلام موجب شفای هر درد است آیا باعث ایمنی از هر خوف هست فرمود بلی هرگاه کسی خواهد که او را از هر بیمی امان بخشد باید تسبیحی که از تربت آن حضرت ساخته باشند در دست بگیرد و سه مرتبه این دعا را بخواند:

أَصْبَحْتُ اللَّهُمَّ مُعْتَصِمًا بِذِمَامِكَ وَجِوَارِكَ الْمَنِيْعِ

بامداد کردم خدایا در حالی که چنگ زده ام به پیمان تو و جوار محکمت

الَّذِي لَا يُطَاوَلُ وَلَا يُحَاوَلُ مِنْ شَرِّ كُلِّ غَاشِمٍ وَطَارِقٍ مِنْ سَائِرِ مَنْ

که مورد دستبرد واقع نشود و کسی قصد آن نتواند از شر هر ستمکار و شبیخون زنده ای از تمامی

خَلَقْتَ وَمَا خَلَقْتَ مِنْ خَلْقِكَ الصَّامِتِ وَالنَّاطِقِ فِي جُنَّةٍ مِنْ كُلِّ

کسانی که آفریدی و آنچه خلق فرمودی از مخلوقات خموش و گویایت (و بنهم خود را) در زیر سپر و جوشنی از هر

مَخُوفٍ بِلِبَاسٍ سَابِغَةٍ حَصِينَةٍ وَهِيَ وَوَلَاءُ أَهْلِ بَيْتِ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ

موجود مخوف و ترسناکی با لباس محکم و نگهدارنده و آن (سپر و لباس) همان دوستی خاندان پیامبر تو محمد

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُحْتَجِزًا مِنْ كُلِّ قَاصِدٍ لِي إِلَى أَدْيِيهِ بَجِدَارٍ

صلی الله علیه و آله است و نگهداری کنم خود را از هر که آهنگ آزارم کند به دیوار

حَصِينِ الْإِخْلَاصِ فِي الْأَعْتِرَافِ بِحَقِّهِمْ وَالتَّمَسُّكِ بِحَبْلِهِمْ جَمِيعًا

محکم اخلاص در اعتراف کردن به حق ایشان و چنگ زدن به رشته محکم ایشان همگی

مُوقِنًا أَنَّ الْحَقَّ لَهُمْ وَمَعَهُمْ وَمِنْهُمْ وَفِيهِمْ وَبِهِمْ أَوْلَى مَنْ وَالُوا

در حالی که یقین دارم که حق از آنها است و با آنها است و از آنها است و در میان آنها است و بوسیله آنها است دوست دارم هر که را

وَأَعَادِي مَنْ عَادُوا وَأُجَانِبُ مَنْ جَانَبُوا فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ

آنها دوست دارند و دشمن دارم هر که را دشمن دارند و کناره گیرم از هر که کناره گرفتند درود فرست بر محمد و آلش

وَأَعِزَّنِي اللَّهُمَّ بِهِمْ مِنْ شَرِّ كُلِّ مَا اتَّقِيهِ يَا عَظِيمُ حَجَزْتُ الْأَعَادِيَّ

و نگاهم دار خدایا بوسیله ایشان از شر هر چه از آن پرهیز دارم ای خدای بزرگ دور ساختم دشمنان را

عَنِّي بِبَدِيْعِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّا جَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا

از خود بوسیله آفریننده آسمانها و زمین ((ما نهادیم از پیش رویشان سدّی



وَ مِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ

و از پشت سرشان سدی و پرده بر دیده شان افکندیم که نمی بینند

پس تسبیح را ببوسد و بر هر دو چشم بمالد و بگوید:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذِهِ التُّرْبَةِ الْمُبَارَكَةِ

خدایا از تو خواهم به حق این تربت مبارک

وَبِحَقِّ صَاحِبِهَا وَبِحَقِّ جَدِّهِ وَبِحَقِّ أَبِيهِ وَبِحَقِّ أُمِّهِ وَبِحَقِّ أَخِيهِ

و به حق صاحب آن (حضرت اباعبدالله) و به حق جدش و به حق پدرش و به حق مادرش و به حق برادرش

وَبِحَقِّ وُلْدِهِ الطَّاهِرِينَ اجْعَلْهَا شِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَأَمَانًا مِنْ كُلِّ

و به حق فرزندان پاکش بگردان آن را شفای از هر دردی و امان از هر

خَوْفٍ وَحِفْظًا مِنْ كُلِّ سُوءٍ

ترسی و نگهدارنده از هر بدی

پس تسبیح را بر جبین خود بگذارد پس اگر در صبح چنین کند در امان خدا باشد تا شام و اگر در شام چنین کند در امان خدا باشد تا صبح و در روایت دیگر منقول است که هر که از پادشاهی یا غیر او ترسد چون از خانه بیرون آید چنین کند تا حرزی باشد او را از شر ایشان

مؤلف گوید که مشهور میان علماء آن است که خوردن گل و خاک مطلقاً جایز نیست مگر تربت مقدسه امام حسین علیه السلام به قصد شفا بی قصد لذت به قدر نخودی بلکه احوط آن است که به قدر عدسی باشد و خوبست که تربت را در دهان بگذارد و بعد از آن جرعه ای از آب بخورد و بگوید

((اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ رِزْقًا وَاسِعًا وَعِلْمًا نَافِعًا وَشِفَاءً مِنْ كُلِّ دَاءٍ وَسَقَمٍ))

علامه مجلسی ره فرموده احوط آن است که مهر و تسبیح و تربت آن حضرت را نخرند و نفروشند بلکه به هدیه و بخشش بدهند و در برابر آنها اگر تراضی کنند بی آنکه اول شرط کرده باشند شاید بد نباشد چنانچه در حدیث معتبر از حضرت صادق علیه السلام منقول است که هر که خاک قبر امام حسین علیه السلام را بفروشد چنان است که گوشت آن حضرت را فروخته و خریده باشد

مؤلف گوید که شیخ ما محدث متبحر ثقة الاسلام نوری ره در دارالسلام نقل فرموده که روزی یکی از برادران من به خدمت مرحومه والده ام رسید مادرم دید که تربت امام حسین علیه السلام را در جیب پایین قبای خود گذاشته مادرم او را زجر کرد که این بی ادبی است به تربت مقدسه چه آنکه بسا شود در زیر ران واقع شود و شکسته گردد برادرم گفت چنین است که فرمودی و تا به حال دو مهر شکسته ام و لکن عهد کرد که من بعد در جیب پایین نگذارد پس چند روزی از این قضیه گذشت علامه والدیم در خواب دید بدون اینکه از این مطلب اطلاع داشته باشد که مولای ما حضرت ابو عبدالله الحسین علیه السلام به زیارت او تشریف آورد و در اطاق کتابخانه نشست و ملاطفت و مهربانی بسیار کرد و فرمود بخوان پسران خود را بیایند تا آنها را اکرام کنم پس والد پسرها را طلبید و با من پنج نفر بودند پس ایستادند در نزد در مقابل آن حضرت و در نزد آن حضرت از جامه و چیزهای دیگر بود پس يك يك را می خواند و چیزی از آنها به او می داد پس نوبت به برادر مزبور سلمه الله رسید حضرت نظری بر او افکند مانند کسی که در غضب باشد و التفات فرمود بسوی والد مرحوم و فرمود این پسر تو دو تربت از تربتهای قبر من در زیر ران خود شکسته است پس مثل برادران دیگر او را نخواند بلکه افکند بسوی او چیزی و الان در ذهنم است که گویا قاب

شانه ترمه به او داد پس علامه والد بیدار شد و خواب خود را برای مرحومه والده نقل کرد و والده حکایت را برای ایشان بیان کرد والد تعجب کرد از صدق این خواب \* انتھی.